شاهد کودک

- ماهنامه‌ی شاهد کودک
- شماره۳۱ مرداد ۱۳۸۷
- بها ۳۰۰ تومان

مگس ۳
قصه‌های باغچه ۴
علمی ۶
کشتی تو ۸
بازی بی بازی ۹
جدول ۱۰
قهرمان ۱۲
آب ۱۴
داستان کودک ۱۶
تولد او ۱۷
لطیفه ۱۸
کارت هدیه ۲۰
چه کار کنم؟ چه کار نکنم؟ ۲۱
آتاریچه‌ها ۲۲
فرم اشتراک شاهد کودک ۲۴
معرفی کتاب ۲۶
۲۷

داستان‌های نوید و ندا

به نام خدا

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: دکتر حسین دهقان
سردبیر: دکتر عباس خامه‌یار
جانشین سردبیر: محمد علی فقیه

❊ ❊ ❊

دبیر تحریریه: دکتر سپیده خلیلی
مدیر داخلی: گلدیس حکمی
ویراستار: ترانه امیر ابراهیمی
مدیرهنری: علیرضا ذاکری
گرافیک و صفحه آرایی: مهسا بزرگ امید
حروفچین: ویدا امیدی
ناظر فنی چاپ: محمدرضا قادری
امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۹۲۴۹
آدرس الکترونیکی: koodak@shahedmag.com
صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵

❊ ❊ ❊

ناشر: انتشارات شاهد
تهران- خیابان ایت‌الله طالقانی
خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی
شماره۳ -تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

❊ ❊ ❊

چاپ: چاپخانه بلاغ
خیابان شریعتی- بالاتر از حسینیه ارشاد- کوچه بهشت آسا
توزیع: موسسه فرهنگی هنری شاهد: ۸۸۸۲۹۵۲۳

تصویر روی جلد: حدیثه قربان

* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است
* مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

مگس

سعیده موسوی‌زاده
تصویرگر: سحر حق‌گو

یک مگس این جا نشسته
در هواپیما کنارم
طفلکی ترسیده امّا
من به او کاری ندارم

شاید او از راه دوری
آمده جایی ندارد
خسته و تنها کناری
کیک یا چایی ندارد

واقعاً ناراحتم من
چون که من عصرانه دارم
یک کمی از کیک خود را
پیش رویش می‌گذارم

بال و پر دارد ولی او
بی‌خودی اینجا نشسته
یک هواپیمای کوچک
در هواپیما نشسته

قصه‌های باغچه

مارمولک شکم گنده

یکی بود یکی نبود. یک روز گرم و آفتابی یک باغچه بود سبزِ سبز، یک آسمان آبی. توی باغچه خبری نبود. انگار همه با هم قهر بودند. فقط یک مارمولک شکم گنده‌ی بی‌سر و صدا، پای بوته‌ها دراز کشیده بود.

ریحان گفت: «این طوری نمی‌شود. باید کاری بکنم». در همین فکر بود که دوباره سر و کله‌ی وزوزی پیدا شد. وزوزی یک خرمگس بود که مزاحم همه کس بود. تا از راه رسید روی برگ ترخون نشست و گفت: «وزوز ـ وای از این تره، به من می‌گفت ترخون

چقدر فیس و افاده دارد». بعد روی تره‌ها نشست و گفت: «وای از این ترخون. نمی‌دانی چقدر از تو بدش می‌آید. به من می‌گفت این تره‌ها اصلاً به درد نمی‌خورند».

سراغ جعفری و گشنیز و نعناع هم رفت و با هر کدام یک عالمه وزوز کرد. بعد از آن روی برگ‌های نازک و لطیف ریحان نشست. می‌خواست چیزی بگوید که ریحان گفت:

«تو با همین وزوزهایت دوستی‌ها را به هم زدی».

غمگین و تنهاست نعنای خوشبو
ترخون و گشنیز تنهاتر از او
تو قهر هستی با مهربانی
ایکاش می‌شد این جا نمانی

وزوزی حسابی لجش گرفت. یک نیش محکم به ریحان زد. صدای «آخ» ریحان توی باغچه پیچید. نسیم همان دور و برها می‌گشت. نزدیک مارمولک رفت و چیزی به او گفت. مارمولک جست زد و به طرف خرمگس پرید. دیگر کسی وزوزی را ندید.

● مهری ماهوتی
● تصویرگر: نسیم بهاری

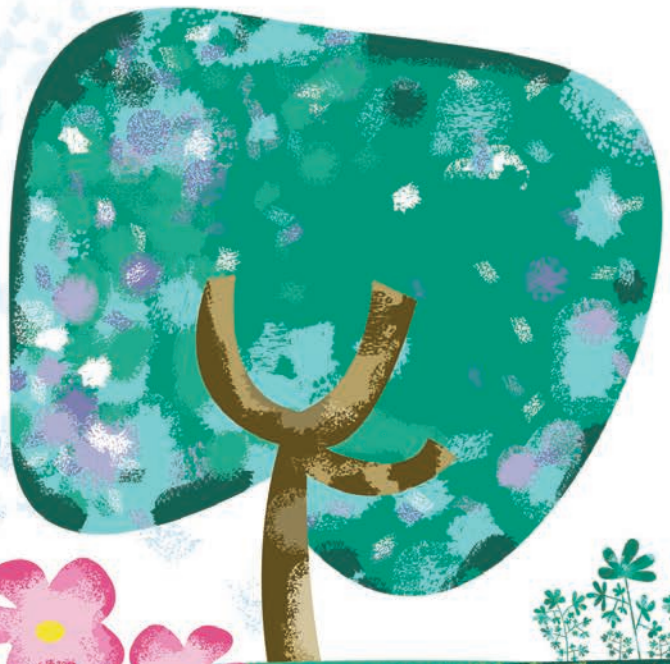

لمس کردن

یکی از راه‌های شناخت چیزها، لمس کردن آن‌ها با دست است.

پسری که در تصویر است، با لمس کردن سعی می‌کند درباره‌ی چیزی که در دستش هست چیزهایی بفهمد.

شما می‌توانید حس لامسه‌ی دوستان خود را امتحان کنید.

چند جعبه‌ی خالی پیدا کنید، در هر کدام یک سوراخ ایجاد کنید

و در هر کدام از جعبه‌ها چیزهای مختلف بگذارید.

از دوستان خود بخواهید بدون این که داخل جعبه را نگاه کنند، چیزهای داخل آن را لمس کنند.

آیا آن‌ها می‌توانند حدس بزنند داخل جعبه چیست؟

آیا آن‌ها می‌توانند درباره‌ی احساس خودتوضیح دهند؟

کشتی تو

این یک کشتی ایرانی است که در آب‌های ایران رفت و آمد می‌کند تا کشتی غریبه‌ای نتواند بی‌اجازه وارد کشور ما شود.

یک پرچم ایران روی آن بکش و عکس خودت را هم که ناخدای کشتی هستی کنار پرچم نقّاشی کن!

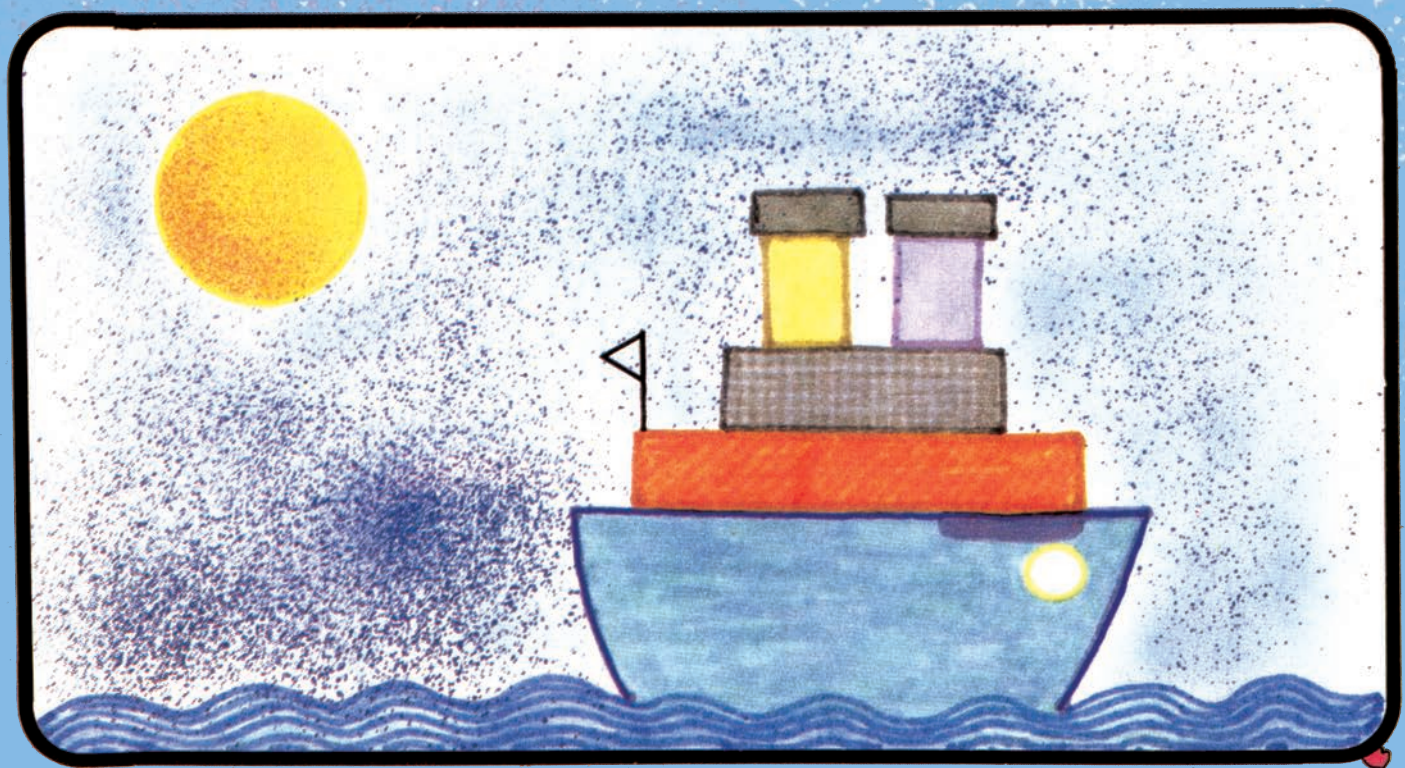

بازی بازی

این دختر کوچولو حوصله‌اش سر رفته، اسباب‌بازی دارد، ولی کسی نیست که با او بازی کند.
دیشب که مهمان داشتند، به خاطر همین اسباب‌بازی‌ها با دختر خاله‌اش دعوا کرد و گفت:
«دوست ندارم با اسباب‌بازی‌های من بازی کنی».
ولی الآن فکر می‌کند...
تو اگر جای او بودی، چه تصمیمی می‌گرفتی؟

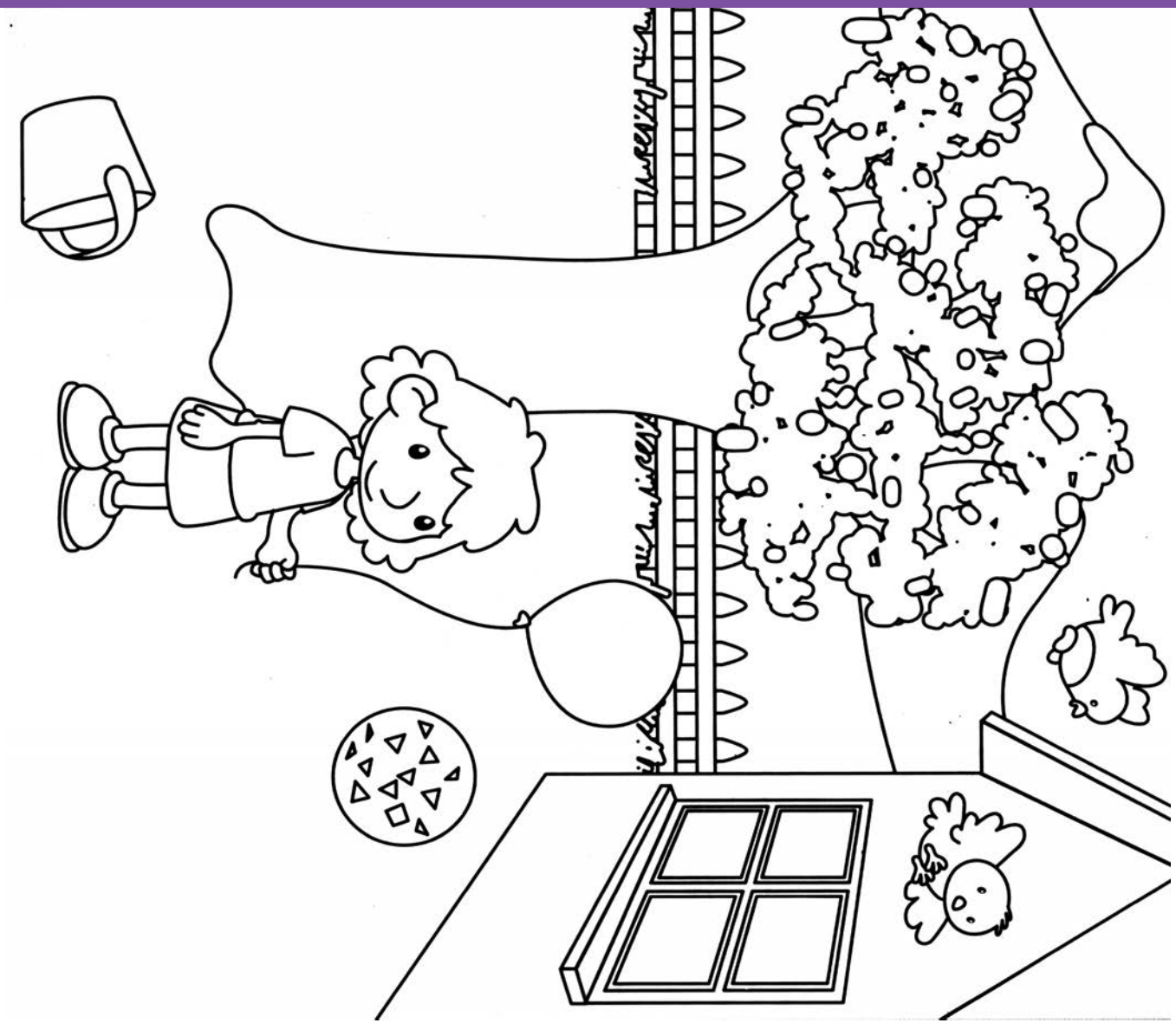

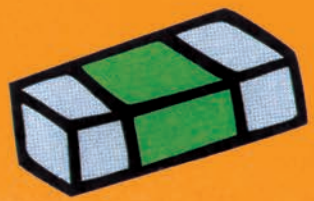

توجّه: بعد از جواب دادن به سوالات، ستون سفید را بخوانید تا به پیام جدول برسید!

۱ـ به فرموده‌ی پیامبر اسلام (ص) بهشت زیر پای اوست.
۲ـ میوه‌ی سبز سالاد است.
۳ـ چیزی که تمیز نیست.
۴ـ جایی که پول‌ها را نگه می‌دارند.
۵ـ پارچه‌ای که جلوی پنجره آویزان می‌کنند.
۶ـ در آن چای دم می‌کنند.
۷ـ رنگ وسط پرچم ایران که نشانه‌ی صلح و دوستی است.
۸ ـ با آن می‌نویسند و با پاک‌کن آن را پاک می‌کنند.
۹ـ وسیله‌ای که با آن موها را مرتّب می‌کنند و برادر بُرِس است.
۱۰ـ وقتی بیمار می‌شویم برای مداوا پیش او می‌رویم.
۱۱ـ کاغذی که برای کسی از ما دور است می‌نویسیم و آن را پست می‌کنیم.
۱۲ـ کتاب مقدس ما مسلمانان است.
۱۳ـ با این عضو بوها را احساس می‌کنیم.

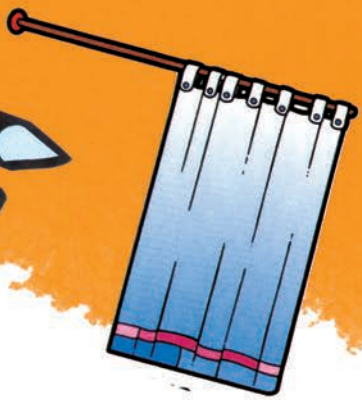

برندگان جدول شماره‌ی ۲۸:

زینب سعیدی- بهشهر

سارا پور خلیل- اصفهان

نسترن عبادی- تهران

● طراح جدول:ابراهیم زارعی

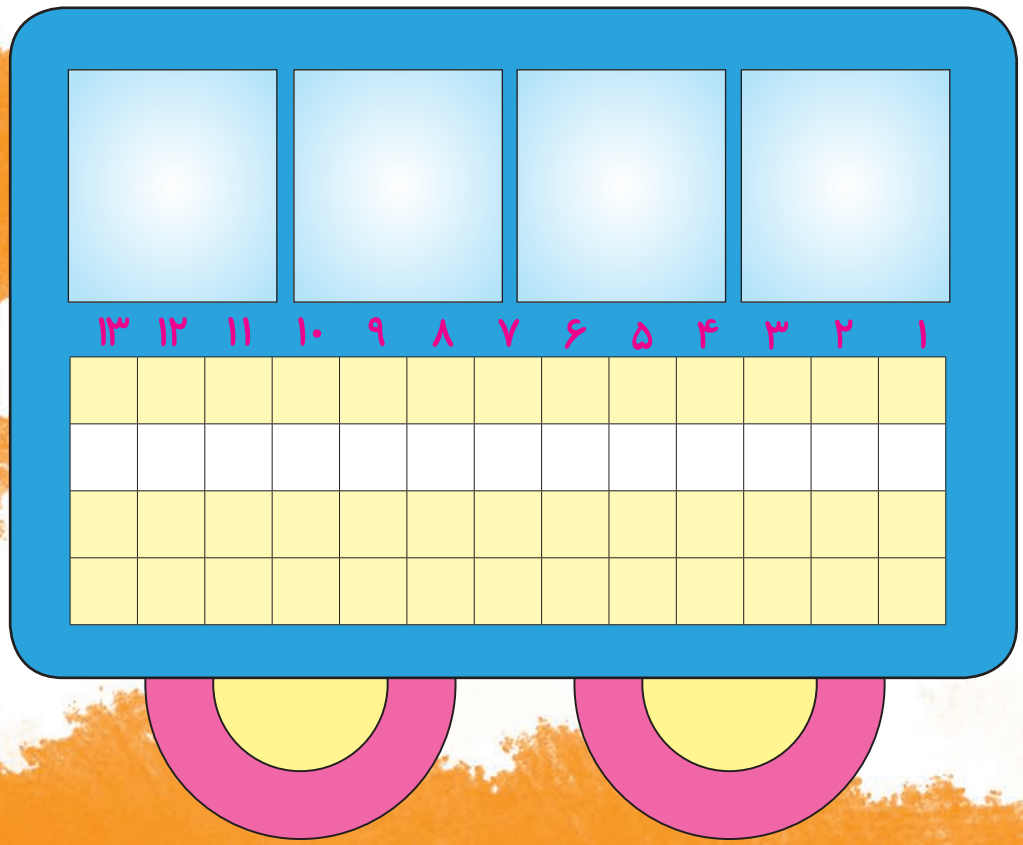

بستنی

جانمی‌جان! بستنی!
بزرگ‌تره را بده به من!
تو گرما بستنی خیلی‌می‌چسبد.

مواظب باش بستنی‌ات نیفتد!
آخ! بستنی‌اش افتاد.

تصویرگر: لاله ضیایی

قهرمان

پدر رسیده خونه
با دستای آهنی
نمی‌تونه ببنده
دگمه‌ی پیراهنی
واسش چایی می‌ریزم
اما همش سرد میشه
مامان نگاش می‌کنه
دلش پُر از درد می‌شه
می‌خوام بلندش کنم
دستاش یهو در میاد
دیگه بلند کردنش
قدرت بیشتر می‌خواد
میگم به مامان جونم
دست بابا کجا رفت

میگه همونجایی که
عباس کربلا رفت
مامان میگه که دستاش
شدن بالِ فرشته
انگاری بی‌دست بودن
رو پیشونیش نوشته
مامان میگه که بابا
یه قهرمان جنگه
هر وقت که لازم باشه
باز رو دوشش تفنگه
بابا میگه دخترم
چقدر ادا می‌ریزی
میگه همینجوری هم

برام خیلی عزیزی
یه بشقاب غذا رو
می‌رم جلوش می‌ذارم
میگه ببر دخترم
الان میلی ندارم
مامان باید غذا شو
تو دهنش بذاره
یواشکی اشکامو
پاک می‌کنم دوباره
نمی‌تونه موهامو
نازبکنه با دستاش
به جاش می‌رم می‌ذارم
سرم رو روی پاهاش
دلم واسه نوازش
مدّتیه که تنگه
مامان میگه که بابا
یه قهرمان جنگه

● سحر شقاقی از تهران
● تصویرگر: حدیثه قربان

آب

زهره خواجوی

مامان هر وقت آب می‌خورد می‌گوید: «سلام بر حسین(ع)».
داداش کوچولویم هر وقت آب می‌خواهد می‌گوید: «آبَه آبَه». وقتی آن را می‌خورد و می‌گوید: «ه».
من هم از بابا یاد گرفته‌ام که شیر آب را بی‌خود باز نگذارم. بابا می‌گوید: «از آب باید درست استفاده شود اگر شیر را زیادتر از مقداری که لازم داریم باز بگذاریم اسراف است».
وقتی که به اندازه از آب استفاده می‌کنم آب داخل شیر از من تشکر می‌کند. آن وقت من خیلی خوشحالم و فکر می‌کنم با این کار دیگر آب ما قطع نمی‌شود.
راستی فکر کرده‌ای اگر آب قطع شود و یک روز آب نداشته باشیم چه اتفاقی ممکن است بیفتد؟

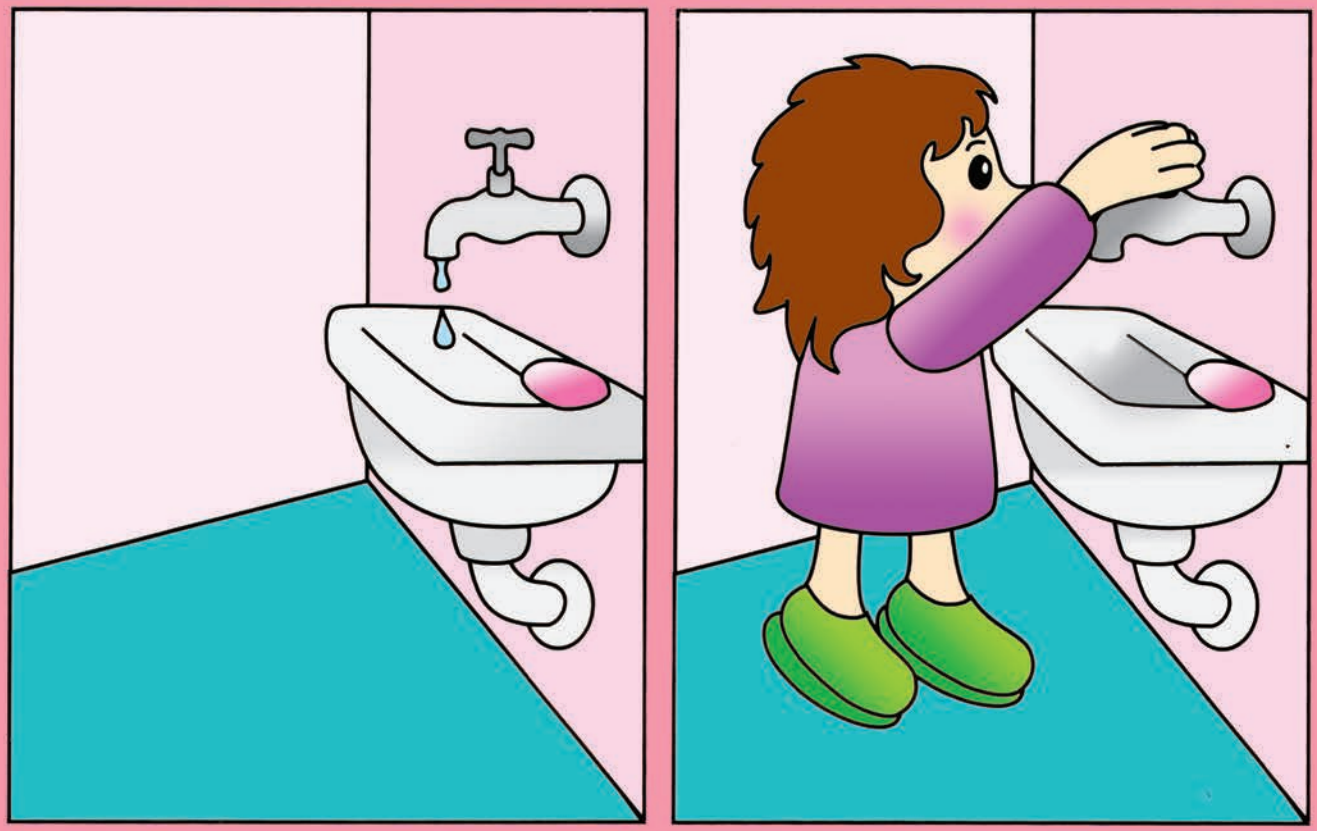

داستان کودک

فیل و سیب

ایلیا اسدی- هفت ساله از تهران

یکی بود، یکی نبود. فیلی بود که دلش سیب می‌خواست ولی نمی‌توانست آن را از درخت بچیند. به خاطر همین ناراحت بود.

فیل آن قدر گشت و گشت تا چشمش به یک مار افتاد. از او خواهش کرد که برایش یک سیب بیاورد، ولی مار بدجنس این کار را نکرد.

فیل دوباره گشت تا یک جوجه پیدا کرد و به او گفت: «به من یک سیب می‌دهی؟»

جوجه گفت: «من که کوچک‌تر از تو هستم و نمی‌توانم به تو سیب بدهم».

فیل دوباره گشت تا حیوان دیگری پیدا کند.

یک دفعه چشمش به یک میمون افتاد و از او خواهش کرد که به او سیب بدهد. میمون گفت: «اگر با من دوست شوی، به تو سیب می‌دهم». او هم قبول کرد و برای همیشه با هم دوست شدند.

تولّد او

تصویرگر: سیاوش ذوالفقاریان

خداوند پیامبرانی را برای راهنمایی مردم فرستاد که آخرین آن‌ها پیامبر اسلام، حضرت محمّد (ص) بود.

پیامبران سعی کردند که راه درست زندگی کردن را به مردم نشان دهند، ولی هیچ یک از آن‌ها در زمان زندگی خود به نتیجه‌ای که می‌خواستند، یعنی از بین بردن بدی‌ها و برقراری دوستی و مهربانی، نرسیدند. بنابراین کسی باید بیاید که این کار را انجام دهد.

پیامبر (ص) گفته که او حضرت مهدی (ع) است. او می‌آید و اگر از دنیا یک روز هم بماند، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا حکومت او برقرار شود.

حضرت مهدی (ع) امام دوازدهم فرزند امام حسن عسگری (ع) (امام یازدهم ما) و همسرش ملیکه (نرجس خاتون) است. او در شب جمعه ۱۵ شعبان به دنیا آمد. این روز یکی از بزرگ‌ترین عیدهای ماست و ما این عید را به همه تبریک می‌گوییم.

لطیفه

تصویرگر: بهاره زارع

آب چرخ کرده

مردی وارد حمام شد. وقتی دوش را باز کرد، گفت: «تا به حال آب چرخ کرده ندیده بودم»!

خسیس

از خسیس پرسیدند: «چه رنگی را دوست داری»؟

جواب داد: «فرقی نمی‌کند، فقط کم رنگ باشد!!»

کار هزار پا

اوّلی: کارهزارپا چیست؟

دوّمی: صبح تا شب بند کفش‌هایش را می‌بندد و شب تا صبح هم آن‌ها را باز می‌کند!

چه کار کنم؟ چه کار نکنم؟

برای این که نقّاشی‌های قشنگ بکشیم باید به دور و بر خود خوب نگاه کنیم.

هیچ وقت نباید گردو، بادام و فندق و... را با دندان بشکنیم.

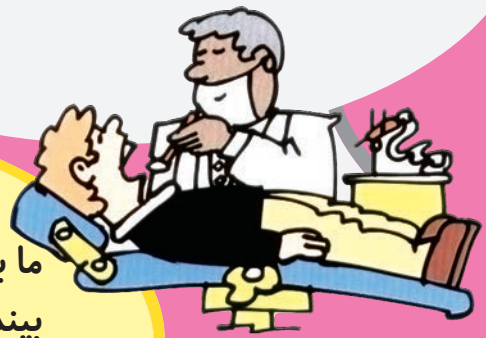

ما باید زباله‌ها را در سطل زباله بیندازیم.

وقتی با اسباب‌بازی‌های خود بازی کردیم آن‌ها را دوباره سرجایشان بگذاریم.

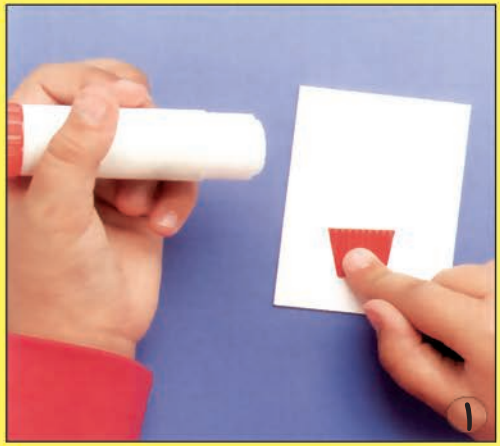

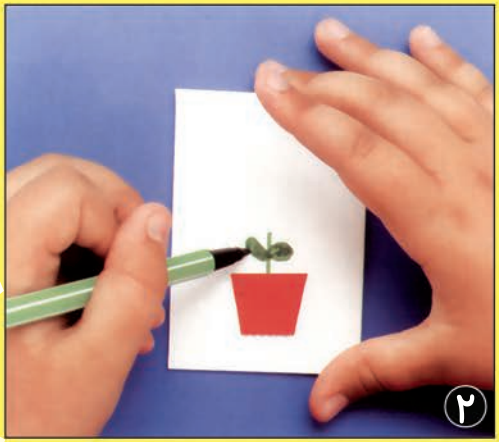

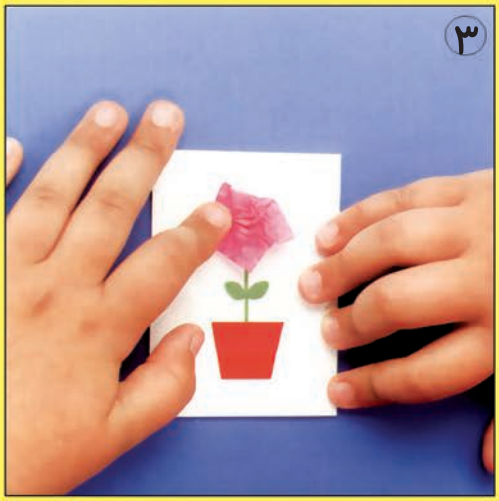

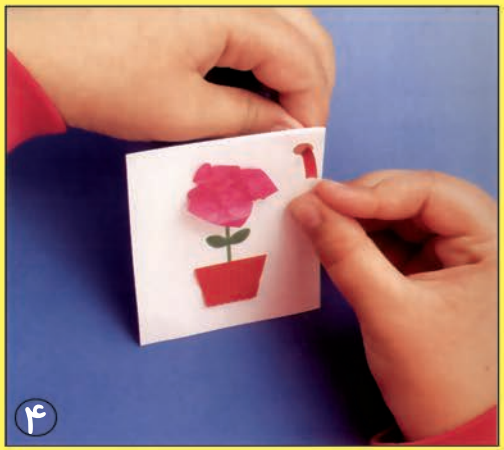

کارت هدیه

هدیه دادن کار قشنگی است و هدیه‌ای که خودت درست کنی، قشنگ‌تر. اگر خوب دقت کنی، می‌توانی یک کارت یا قاب عکس قشنگ بسازی.

مواد لازم:

- خط کش
- مداد
- قیچی
- مقوای سفید
- مقوای قرمز
- چسب کاغذ
- ماژیک سبز
- کاغذ کشی صورتی
- کاغذ سوراخ‌کن
- روبان باریک (۲۰ سانتی‌متر)

طرز کار:

۱ـ از یک بزرگ‌تر بخواه که یک تکه مقوای سفید به طور ۱۲ سانتی‌متر و عرض ۸/۵ سانتی‌متر برایت ببرد. سپس آن را تا بزن. شکل یک گلدان را روی مقوا بکش و بعد آن را ببر.

۲ ـ گلدان را روی مقوای سفید بچسبان.

۳ ـ با ماژیک سبز روی مقوای سفید، مانند شکل یک ساقه و چند برگ بکش.

۴ـ مربعی به طول ۴ سانتی‌متر روی کاغذ کشی بکش. آن را با قیچی جدا کن و روی ساقه بچسبان.

۵ ـ با کاغذ سوراخ کن گوشه‌ی سمت راست بالای مقوا را سوراخ کن و روبان را از آن رد کن و گره بزن.

توجه: اگر مقوای رنگی نداری، می‌توانی تکه‌ای مقوای سفید را با ماژیک یا گواش رنگ کنی.

آثار بچه‌ها

▲ فاطمه کاظم‌لی
کلاس دوم از تهران

ساراقانعیان-۴/۵ساله
از تهران ◀

زینب کوکبی مشهور-۴ساله از تهران ▲

▲ مریم سلحشور
۵ساله از تهران

▲ فاطمه حمیدی
۶ساله از شهر ری

▲ درسا حیدری
۵ساله از تهران

▲ محمدحسین امیر سلیمانی
۵ساله از بهشهر

▲ابوالفضل مفردی-۶ساله از شاهرود

▲محدثه نجاتی سلیم-۵ساله

▲ایلیاد حسین‌اهلی-۵ساله از تهران

▲زهرا کریمی-۴ساله از ملایر

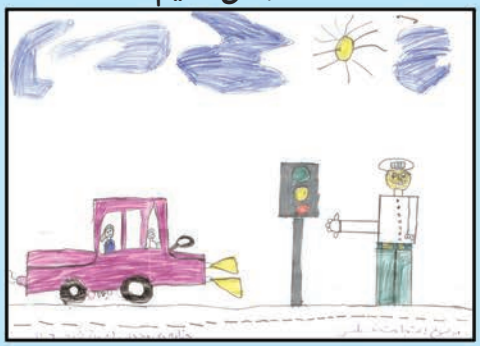

▲حنانه دین‌محمدپور-۶ساله از کرج

▲نیایش عباسی-۶ساله از تهران

▲مبین حبیبی-۵ساله از قزوین

امیر ارسلان صومی خلجی
۶ساله از اصفهان◄

فرم اشتراک شاهد کودک

دوستان خوب و مهربان، فرم زیر را با کمک بزرگ‌ترها پر کنید و به نشانی ما بفرستید.
مبلغ اشتراک ششماهه ۱۸۰۰ تومان و یکساله ۳۶۰۰ تومان است.
مبلغ مورد نظر خود را به شماره حساب ۲۱۸۲۰۵۵۵ بانک تجارت شعبه‌ی میدان هفتم تیر به نام انتشارات شاهد واریز نمایید.
فیش واریزی را همراه با فرم تکمیل شده به نشانی مجله‌ی شاهد کودک ارسال نمایید.
نشانی: تهران، خیابان آیت ا... طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار شمالی، پلاک ۳
صندوق پستی: ۱۹۱-۱۵۷۱۵، انتشارات شاهد

نام: ..... نام خانوادگی: ..... تاریخ تولد: ../../ ۱۳..
نشانی: .....
کد پستی: ..... تلفن: .....
مدت اشتراک: ۶ ماه یک سال

بچّه‌های مجله

مبین حبیبی
امیرحسین قائم‌پناه
آرنوش اصلی کرد
زهرا کریمی
رقیه نسبت قندی
کیمیا محمدنژاد
سارا تابغیان

سارا محمدی
محمدحسین امیرسلیمانی
محدثه تالانه
یاسمن پندآسا
ملیکا رسولی
سارا شفیع
حدیثه نظری

عرفان تقی‌لو
مائده تقی‌لو
مریم سلحشور
امیررضا وفا
رضا علیجان تبار
زهرا نادعلی‌زاده
فاطمه سادات نجیبی

سیدیاسین حسینی‌فر
زینب نعیمی سادات مقدم
سینا زرگران
پویا ایمانی
سارینا نورانی
لیلا عطار
پریا فتحی خاتون

خورشید زمین

امیر علی سه ساله است. او نقّاشی کشیدن را دوست دارد. کم کم داشت نقّاشی کردن شکل‌های مختلف را یاد می گرفت. او خیلی دوست داشت یک نقّاشی هم از بابا بکشد امّا هیچ‌وقت بابا را ندیده بود. برای دانستن ادامه‌ی داستان، باید کتاب خورشید زمین را بخوانی که نوشته‌ی آقای سیّدابراهیم حسینی است و تصویرهای زیبای آن کار آقای امیرعلی حسینی است.

این کتاب را نشر شاهد با قیمت ۵۰۰ تومان به چاپ رسانده است.

تلفن مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱ـ ۰۲۱

قم ۷۸۳۰۳۴۰ـ ۰۲۵۱

به ساختن آینده فکر می‌کنم،
شوخی هم ندارم!